



اشاره:

اصل ۱۵۶ قانون اساسی چهار وظیفه کلیدی برای قوه قضائیه معرفی کرده است، یکی از آن وظایف پیش‌گیری از وقوع جرم می‌باشد، این وظیفه‌ی قانونی برای قوه‌ی قضائیه ظرفیتی را ایجاد می‌کند که با استفاده از آن می‌توان به کمک سایر قوی از رخ دادن بسیاری از جرایم پیش‌گیری کرده برای بررسی این موضوع با حجت‌الاسلام والمسلمین مجید یزدی معاونت پیش‌گیری از جرایم در دادگستری استان قم به گفتگو نشستیم.

## گفتگوی نشریه‌ی پویا با حجت‌الاسلام مجید یزدی

را تشخیص دهیم. در این بحث، باید به سه دسته هدف توجه کنیم؛ یکی هدف خداوند، یکی هدف ما انسان‌ها و دیگری هدف شیاطین است. هدف خداوند آن‌گونه که در آیه‌ی کریمه ۱۱۹ از سوره‌ی هود می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ»؛ یعنی خداوند به خاطر رحمتش بشر را آفرید. پس اگر اصل خلق

**فرهنگ پویا:** لطفاً در خصوص موضوع پیش‌گیری از جرم توضیحاتی بفرمایید:

- ابتدا مقدمه‌ای را خدمتتان عرض می‌کنم، بعد به بحث پیش‌گیری، می‌پردازم. ما لازم است اول به هدف خلقت توجه کنیم و این هدف

رسالت برای تمامی رسولان و انبیا اعم از اولوالعزم و غیر اولوالعزم است؛ اما انبیاایی که دارای مقام امامت بودند؛ مثل حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یک رسالت دیگر هم دارند و آن تشکیل حکومت و رساندن بشریت به مطلوب است. وقتی بحث تشکیل حکومت و رساندن بشریت به کمال مطرح می‌شود، آن وقت بحث مراحل حکومتی امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از ابزارهای لازم برای تطبیق آن نیز مطرح می‌شود.

خداوند برای کمک به راهنماهای بیرونی، یک دسته را هم به نام راهنماهای درونی قرار داد. راهنماهای درونی؛ مثل عقل، فطرت، الهام و... متعدد و متنوع هستند. راهنماهای درونی با راهنماهای بیرونی دست به دست هم می‌دهند و بشر را به هدف خلقت که کمال و تعالی است، می‌رسانند.

رسیدن به کمال، هدف خداوند از خلقت بشر است و در مقابل، هدف شیاطین کشاندن بشریت به سقوط و انحطاط است.

شیاطین نیز به دودسته شیاطین درونی و شیاطین بیرونی تقسیم می‌شوند. شیاطین درونی همان نفس اماره است. شیاطین بیرونی یا انسان‌ها و یا ابلیس و فرزندان‌ش هستند. خداوند در سوره‌ی ناس می‌فرماید: «باید از هر دودسته شیطان به خدا پناه برد، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ . الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ . مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.» شیاطین انسانی نیز دودسته‌اند؛ یا دوستان بد و داخلی هستند و یا دشمنان قسم‌خورده‌ی ما؛ مثل آمریکا و اسرائیل که خارجی هستند. بین این دودسته فرقی نیست؛ چون دوست بد که انسان را به سمت گناه، فساد و فحشا دعوت می‌کند، او یک شیطان بیرونی است و آمریکا و اسرائیل هم که نقشه می‌کشند که چگونه با فیلم مبتذل و ماهواره عده‌ای را به انحطاط بکشانند، آن هم یک شیطان بیرونی است، منتهی آن‌ها خارج از این مرز و بوم هستند؛ اما دوست بد در داخل خانه هست. بهرحال هدف شیاطین کشاندن بشریت به سقوط و انحطاط است.

**فرهنگ پویا:** ابزار شیاطین برای انحطاط جامعه و به‌طور کلی بشریت چیست؟

– شیاطین چهار ابزار برای انحطاط بشریت دارند که به این‌ها نهنجاری‌ها گفته می‌شود. این نهنجاری‌ها همان خطوطی کلی است که دشمن به‌وسیله‌ی آن نابسامانی‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کند. این خطوط کلی ابزارهایی بسیار قدرتمند و توانمند است که بشر را از مسیر نهنجاری‌های اجتماعی دور می‌کند. این خطوط را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

مردم به خاطر رحمت خداوند است، اقتضای آن رحمت ایجاب می‌کند که بشریت به منتهای رحمت الهی برسد. در آن تعابیر هم هست، «كُنْتُ كِنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكِي أَعْرِفَ»؛ یعنی این که مواهبی مخفی نزد من هست، پس رحمت من ایجاب می‌کند این نعمت‌ها را به بشریت برسانم؛ پس بشریت باید به سمتی حرکت کند که به آن مواهب برسد. بر اساس این اصل آن بیان نورانی که پیامبر خدا -صلوات الله و سلامه علیه- فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقْرَبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقْرَبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُمْ عَنْهُ»، این نشان می‌دهد که هر امری اگر از مباحات نباشد حاوی یک حکمی است؛ زیرا یا کاری است که ما را به سمت کمال سوق می‌دهد که واجب یا مستحب است و یا ما را به سمت سقوط و آسیب می‌کشد که حرام یا مکروه است، هر کدام از این موارد که باشد رسول خدا صلی الله علیه و آله و به‌تبع ایشان اهل بیت (علیهم‌السلام) آن را مطابق حدیث فوق بیان فرموده‌اند. این یک اصل کلی و کلیدی است که حضرت فرموده‌اند. البته بیانی دیگر نیز دارند که می‌فرمایند: «... إني قد جئتكم بخير الدنيا والآخرة»؛ این‌گونه نیست که پیروی از ادیان فقط فردای بشریت در این دنیا را تضمین کند بلکه حضرت می‌فرمایند: «عمل به دستورات خداوند؛ علاوه بر آخرت، دنیای شما را هم آباد می‌کند.» خداوند عالم از روی رحمتش، امکاناتی را پیش‌بینی کرده و ابزارهایی را در خدمت بشریت قرار داده است تا آن رحمتی که هدف خلقت خداوند است، برای بشریت محقق شود. به این امکانات و ابزارها در مباحث کلامی، راهنما می‌گویند و آن به دودسته‌ی راهنماهای بیرونی و درونی تقسیم می‌شود.

راهنماهای بیرونی که ۱۲۴۰۰۰ پیامبر و کتاب‌های آسمانی هستند و ارائه‌ی طریق<sup>۱</sup> یا راهنمایی و هدایت بشریت را متکفلند و انبیا الهی و ائمه‌ی اثنی عشر علیهم‌السلام که علاوه بر ارائه‌ی طریق، رسالت وصال مطلوب را به عهده دارند؛ یعنی تشکیل حکومت اسلامی و تطبیق احکام الهی در متن جامعه و جان بشریت به عهده‌ی آنان بوده است، پیامبرانی هم که دارای مقام امامت بوده‌اند نیز رسالت تشکیل حکومت را داشته‌اند. رسالت وصال مطلوب فقط وظیفه‌ی امام است نه پیامبر که او فقط دعوت به خیر می‌کند. «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»<sup>۲</sup>؛ یعنی ای پیامبرم ما تو را به حق و راستی به‌سوی خلق فرستادیم تا (خوبان را به بهشت) بشارت دهی و (بدان را از قهر حق) بترسانی و هیچ امتی نبوده جز آن که در میانشان ترساننده‌ای (از گناه و رهنمایی) بوده است. این



**شیاطین چهار ابزار برای انحطاط بشریت دارند که به این‌ها نهنجاری‌ها گفته می‌شود. این نهنجاری‌ها همان خطوطی کلی است که دشمن به‌وسیله‌ی آن نابسامانی‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کند. این خطوط کلی ابزارهایی بسیار قدرتمند و توانمند است که بشر را از مسیر نهنجاری‌های اجتماعی دور می‌کند. این خطوط را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: گناه، جرم، خلاف و آسیب‌های اجتماعی.**

گناه، جرم، خلاف و آسیب‌های اجتماعی؛ که آن‌ها را تشریح می‌کنم؛ اول گناه است. گناه عبارت است از نافرمانی از دستورات خداوند. تمام آن‌چه را که انسان ممکن است انجام دهد پنج دسته است. دستورالعمل‌های الهی یا مصالح ضروری برای بشر، که همان واجبات است و یا مفسده‌هایی است که برای بشر مضر است و باید از آن‌ها اجتناب کرد، که این دسته از دستورات را محرمات می‌گویند و یا مواردی است که اگر بشر از آن‌ها پرهیز کند بهتر و راحت‌تر می‌تواند به اهداف الهی برسد، این دسته از فرمان‌ها را مکروهات می‌نامند و دسته‌ی دیگر توصیه‌هایی است که انجام آن‌ها به مصلحت انسان است که همان مستحبات است. گروه دیگری از اعمال هستند که نه مصلحت دارند و نه مفسده که به آن‌ها مباحات گفته می‌شود. انجام محرمات و ترک واجبات که موجب مفسده است، گناه است. بنابراین گناه، نافرمانی الهی و ابزار کلیدی در دست شیاطین درونی و بیرونی است که به‌وسیله‌ی آن بشر را به انحطاط می‌کشاند. هدف شیاطین فقط با گناه محقق می‌شود.

**فرهنگ پویا:** تفاوت گناه و جرم چیست؟ و آیا شیاطین فقط با ارتکاب گناه به هدف خود می‌رسند؟ و یا با انجام جرم هم هدف آن‌ها محقق می‌شود؟

- آن چیزی که قانون‌گذار در نظام اسلامی می‌گوید انجام ندهید، خداوند هم همین را می‌گوید. چون کمالی که مدنظر خدای عالم، برای بشر است، تعالی روحی فردی و اجتماعی در کنار نظم فردی و اجتماعی است. بعضی فکر می‌کنند نظم فقط در حیطة‌ی اجتماع تحقق می‌یابد و فقط قانون‌گذار به آن نظر دارد، درحالی‌که از نظر دینی هم مورد توجه است. حضرت امیر<sup>علیه السلام</sup> در بستر شهادت می‌فرمایند: «حسنم و حسینم بیابید و همه‌ی بچه‌ها را دعوت کنید.» زن و بچه‌ها همه می‌آیند همه که دور حضرت می‌نشینند؛ ایشان می‌فرمایند: «اوصیکم و جمیع ولدی» بعد حضرت می‌بیند یک نفر آن‌جا ایستاده و در حال نوشتن این وصیت روی کتف شتر است، سپس حضرت می‌فرمایند: «و من بلغه کتابی»؛ نه تنها این وصیت برای افراد حاضر و معاصر است بلکه برای تمامی انسان‌ها در طول تاریخ بشریت است. حضرت در لحظه‌ی آخر به چند چیز سفارش می‌کنند: اول تقوا و بعد نظم. پس این‌گونه نیست که نظم را فقط قانون‌گذار دیده باشد؛ همان‌گونه که غربی‌ها می‌گویند، بلکه خداوند عالم به تعالی و نظم فردی و اجتماعی هر دو نظر دارد درحالی‌که قانون‌گذار فقط نظم اجتماعی را دیده است. جرم هم آن چیزی است که قانون‌گذار برای فعل یا ترک آن مجازات تنظیم کرده است و هدف او ایجاد سلامت، امنیت و نظم اجتماعی است. قانون‌گذار اصلاً کاری به تعالی فردی ندارد بلکه نظر او ایجاد نظم و تعالی اجتماعی است؛ مثلاً اگر یک نفر در خانه بنشیند و یک فیلم زشت ببیند! این باعث انحطاط روحی او می‌شود. قانون‌گذار می‌گوید من کاری با تو ندارم؛ اما اگر آمدی در خیابان و تعرض به یک زن کردی، با تو برخورد می‌کنم؛ ولی خداوند می‌گوید تو نمی‌توانی در خانه و تنهایی هم آن فیلم را ببینی! و یا تنهایی نمی‌توانی مشروب بخوری! اما قانون‌گذار می‌گوید اگر مشروب خوردی و آمدی در خیابان و عریه

کشیدی و مزاحم نوامیس مردم شدی، آن وقت با تو برخورد می‌کنم؛ چون مشروب خوردن تو موجب مزاحمت برای دیگران شده است؛ اما خداوند می‌گوید اگر در خانه تنها هم مشروب خوردی و حتی مزاحمت برای کسی ایجاد نکردی؛ چون این عمل مانع تعالی روحی تو است، با تو برخورد می‌کنم. پس خدا در بخش گناه، هم کمال و نظم فردی و هم کمال و نظم اجتماعی را دیده است؛ اما در بحث جرم، قانون‌گذار فقط به نظم اجتماعی نگاه می‌کند و می‌گوید من آن‌چه که نظم اجتماعی را به هم می‌زند، با آن برخورد و مجازات می‌کنم.

**فرهنگ پویا:** پس با این فرمایش شما مشخص شد که ارتکاب گناه و جرم هر دو موجب تحقق هدف شیاطین و انحراف انسان می‌شود. با توجه به تفاوتی که بین گناه و جرم است بفرمایید یک جرم چگونه رخ می‌دهد؟

- برای تحقق جرم سه رکن لازم است؛ اول وجود یک ماده‌ی قانونی که در آن ذکر شده باشد که چنین فعلی جرم است و مجازات دارد. اگر در قانون نیامده باشد و برای آن مجازات تعیین نشده باشد، ارتکاب آن فعل جرم نیست؛ چون این رکن اساسی را ندارد. به این رکن، جنبه‌ی قانونی یا رکن قانونی جرم می‌گویند.

دوم: رکن مادی جرم است؛ یعنی آن جرم باید اتفاق بیفتد؛ این که کسی اراده‌ی سرقت کرده باشد و حتی وسایل آن را آماده کرده و در اختیار داشته باشد فایده ندارد، بلکه باید دزدی انجام بشود تا جرم محقق شود. سوم: جنبه‌ی معنوی جرم است و آن این است که شخص قصد مجرمانه داشته باشد؛ یعنی انگیزه‌ی جنایت کارانه داشته باشد. مثلاً کسی شاه‌کلید بسازد برای این که برود سرقت کند و یا زردبان را برداشته و می‌برد برای این که از دیوار مردم بالا برود و فلان جرم را مرتکب شود. پس قصد مجرمانه و انگیزه‌ی جنایت کارانه هم برای ارتکاب جرم لازم است.

اگر این رکن سوم وجود نداشت؛ یعنی قانون‌گذار آن را جرم شمرده بود و کسی این فعل را هم مرتکب شد؛ یعنی رکن مادی جرم هم محقق شده است؛ ولی فرد انگیزه‌ی مجرمانه نداشت، به این خلاف می‌گویند. خلاف سومین ابزار شیطان برای انحطاط بشر است و آن فقط مسئولیت مدنی دارد و مسئولیت کیفری ندارد؛ اما در جرم مسئولیت کیفری هم دارد؛ یعنی شخص را شلاق می‌زنند، اعدام می‌کنند و...؛ مثلاً قانون‌گذار می‌گوید اگر شما سوار ماشین شدی و کمر بند را نبستی من تو را جریمه می‌کنم و یا اگر سوار موتور شدی و کلاه ایمنی بر سر نگذاشتی تو را جریمه می‌کنم، چرا؟ چون من می‌خواهم تو سالم باشی و نظم جامعه برقرار شود، نمی‌خواهم اگر تصادف کردی، برای تو اتفاقی بیفتد. در این‌جا دیگر شخص را شلاق نمی‌زنند، تخلف، مجازات و مسئولیت کیفری ندارد؛ ولی مسئولیت مدنی دارد. چون مسئولیت مدنی حتی برای افراد غیر بالغ نیز هست؛ ولی مجازات فقط برای افراد بالغ است و کسانی که به سن قانونی رسیده‌اند. ما در فقه هم این را داریم که برای بچه‌ی غیر بالغ مسئولیت کیفری وجود ندارد؛ یعنی اگر بچه با توپ شیشه‌ی همسایه را شکست او را شلاق نمی‌زنند؛ چون غیر بالغ است؛ ولی با پول بچه باید خسارت شیشه را داد و اگر بچه پول ندارد ولی او باید خسارت شیشه را بپردازد؛ چون در مسئولیت مدنی دیگر



خدا در بخش گناه، هم کمال  
و نظم فردی و هم کمال و نظم  
اجتماعی را دیده است؛ اما در  
بحث جرم، قانون‌گذار فقط  
به نظم اجتماعی نگاه می‌کند  
و می‌گوید من آن‌چه که نظم  
اجتماعی را به هم می‌زند، با آن  
برخوردم و مجازات می‌کنم.

قلب‌ها بلرزند و از تصمیم محکم خود برگردد و از طلاق منصرف شود و شخص حتی المقدور با مشکلاتی که دارد بسازد و خود و دیگران را به مشکل بزرگ‌تر مبتلا نکند. ما این شیوه را حتی در میان علما داریم. برخی از بزرگان بودند که خانمشان می‌آمد در درس خارج به سر او می‌زد! ولی او با همسرش می‌ساخت و حتی وقتی برخی از شاگردانش می‌گفتند: «چرا شما چنین زنی را نگاه‌داشته‌اید؟ او را طلاق بدهید!» در پاسخ ایشان می‌گفت: «این تهدید نیست، این بهترین فرصت برای من است. شماها به من می‌گویید مرجع علی‌الاطلاق جهان اسلام و من را باد می‌کنید، ایشان هم در خانه باد مرا خالی می‌کند و غرور مرا تنظیم می‌کند! این یک فرصتی است که خدا در اختیار من قرار داده تا من رشد معنوی کنم.» برخی از بزرگان می‌گویند: «اگر ما با چنین همسرانی نمی‌ساختیم به این درجات بالا راه نمی‌یافتیم.» ما این وضعیت را در میان ائمه‌ی اطهار هم داریم؛ امام حسن مجتبی‌<sup>علیه السلام</sup> همسری داشتند به نام جده که عاقبت قاتل امام شد و حضرت با او ساختند! عده‌ای ساخت و تعالی خود را در این‌ها می‌بینند و سازش با چنین همسرانی برای آن‌ها بهترین ریاضت برای خودسازی است. برخلاف عده‌ای که می‌روند در خانقاه، صومعه و دیگر جاها و چهل روز ریاضت می‌کشند. علامه محمدتقی جعفری می‌گوید: «من از آن روزی که در اختلاف با همسرم خم شدم و دست خانمم را بوسیدم، گشایش‌هایی برایم پدید آمد.» این فیلسوف شرق جهان اسلام است که می‌نشیند، دست خانم خود را می‌گیرد، می‌بوسد و می‌گوید: «من اشتباه کردم که ناراحت شدم!» هرچند اشتباه از او نباشد. این چنین است که محمدتقی جعفری می‌شود علامه محمدتقی جعفری. آقای سعادت پرور که یکی از عرفای بزرگ است، می‌گوید: «من در

عقل، اختیار، اراده و انگیزه شرط نیست. اگر پای انسان در خواب هم به ظرفی بخورد و بشکند باید خسارت آن را بپردازد؛ چون این کار مسئولیت مدنی دارد. گفتیم شیاطین برای انحطاط بشریت از چهار ابزار استفاده می‌کنند اولی گناه، دومی جرم و سومی خلاف است؛ اما چهارمین ابزار، آسیب اجتماعی است. آسیب اجتماعی همان ناهنجاری‌هایی است که خیلی به جامعه آسیب می‌زند. این ناهنجاری‌ها شاید گناه هم نباشد؛ یعنی شرع نگفته است آن مفسده دارد و باید از آن اجتناب کرد و شاید قانون‌گذار هم برای آن مجازاتی در نظر نگرفته باشد و برای ارتکاب آن جبران خسارت و یا جریمه‌ای وضع نکرده است؛ ولی ارتکاب آن؛ صدها آسیب و ناهنجاری‌های بسیار گسترده‌ای را برای جامعه ایجاد می‌کند و موجب نابسامانی می‌شود؛ مثل طلاق که شرعاً حرام نیست؛ اما بدترین حلال است. فقط در دو جای دنیا؛ واتیکان و فیلیپین طلاق وجود ندارد، اگر یک زوجی به بن‌بست بخورند، خود را می‌کشند؛ اما اسلام می‌گوید ما بن‌بست نداریم، «آخر الدواء الکی» آخرین دوا وقتی درمان نتیجه ندهد؛ قطع کردن عضو است. پس در اسلام برای اختلافات خانوادگی، شارع راه را باز کرده و گفته اگر درمان‌ها نتیجه نداد در نهایت می‌توانی طلاق بدهی؛ ولی طلاق زخم است نه مرهم و موجب آسیب است. در طلاق فرد به خود آسیب می‌زند به همسرش آسیب می‌زند، به فرزندانی که بدون نظارت در جامعه رها می‌شوند یا زیردست ناپدری و نامادری رشد می‌کنند آسیب می‌زند و هزاران مشکل دیگر هم برای جامعه ایجاد می‌کند. لذا شرع می‌گوید هرچند طلاق حلال است اما باید دل‌هایتان در انجام آن بلرزند و الا با طلاق عرش خدا می‌لرزد، «یهتز منه العرش» تا این حد این حلال مبعوض است. لذا باید برای انجام این کار

یک موضوعی با خانمم بداخلاقی کردم، در عالم معنی به من نشان دادند که ناله‌های بیست سال تو به فنا رفت، تو چرا نتوانستی خود را بسازی؟!» همین یک عمر سازش با همسر در خانه بهترین چله‌نشینی و ریاضت است. این خود یک چله‌ی چهل ساله است. اسلام به دنبال کمال انسان است لذا در این مسیر بن بست وجود ندارد؛ ولی در راه تکامل و تعالی انسان ممکن است مشکلاتی برای ساخته شدن وجود داشته باشد. در این دنیا برای رسیدن به خدا باید با مشکلات ساخت، دنیا محل خوش گذرانی نیست.

پس یک سری آسیب‌های اجتماعی هست که دین می‌گوید این‌ها شما و جامعه‌ی شما را نابود می‌کند؛ ولی ضرر آن‌ها آن قدر نبوده که من برای شما حرام کنم؛ مثلاً تکدی یک دختر در خیابان، یک آسیب است. ولی تکدی‌گری شرعاً حرام نیست؛ اما این که یک دختر جوان سر چهارراه بایستد چقدر ممکن است آسیب‌هایی برای او پیش بیاید؟ وقتی سایر جوان‌ها این دختر را می‌بینند، چه آسیب‌هایی ممکن است برای آن‌ها پیش بیاید؟ یا مثلاً اگر یک نفر کارتن خواب باشد و شب در خیابان بخوابد؛ نه حرام است و نه جرم؛ ولی این برای جامعه یک ناهنجاری است. پس برخی رفتارها هست که حرام، گناه و جرم هم نیست؛ چون قانون‌گذار برای آن مجازات تنظیم نکرده و خلاف هم نیست؛ چون قانون‌گذار برای آن جریمه‌ی مادی تنظیم نکرده است؛ ولی برای جامعه آسیب دارد. ما به این‌ها آسیب‌های اجتماعی می‌گوییم. این چهارتا، ابزارهایی است که شیاطین به وسیله‌ی آن انسان را به انحطاط می‌کشاند و آن‌ها به هدفشان می‌رسند. خداوند عالم برای این که انسان را به هدف اصلی خود برساند ابزارهایی در اختیار ما قرار داد و گفت به وسیله‌ی این‌ها به هدف برسید؛ اما شیاطین برای این که ما را به انحراف و انحطاط بکشاند و از هدف اصلی بازدارند، تمام تلاش خود را می‌کنند تا ما را به این چهار چیز مبتلا کنند. از این رو تمام همت‌ها و فرصت‌ها باید صرف بشوند تا با انواع شیاطین مقابله شود. وقتی من می‌گویم شیاطین مراد شیاطین بیرونی و درونی است؛ جن، انس، دوست‌های بد، داخلی‌ها و خارجی‌ها، فرقی ندارد با همه این‌ها باید مبارزه شود تا گرفتار نشویم.

**فرهنگ پویا:** در مورد مبارزه و مقابله با این چهار ابزار؛ قوه‌ی قضاییه چه رسالتی دارد؟

- مقام معظم رهبری یک بیان قشنگی دارند و می‌فرمایند: «که این‌گونه نیست که فقط قوه‌ی قضاییه در این رابطه وظیفه دارد و فقط قوه‌ی قضاییه باید پیش‌گیری از وقوع جرم بکند تا کسی گرفتار نشود. اصل ۱۵۶ قانون اساسی چهار وظیفه‌ی کلیدی برای قوه‌ی قضاییه معرفی می‌کند و می‌گوید شما باید اگر کسی دعوائی داشت رسیدگی و صدور حکم کنید، شما باید دقت کنید که حقوق عامه در جامعه احیا شود، شما باید نظارت بر حسن اجرای قوانین داشته باشید و در بند چهارم آن می‌گوید شما باید کشف جرم و مجرمین را تعقیب و مجازات کنید. در بند پنجم از اصل ۱۵۶ می‌گوید شما باید در دو عرصه‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین تلاش کنید. درست است که طبق این اصل، یکی از وظایف اصلی برای قوه‌ی قضاییه پیش‌گیری از وقوع جرم

و اصلاح مجرمین است؛ ولی این یکی از وظایف اصلی از پنج وظیفه‌ی مهم دیگر است. لذا رهبری می‌فرماید: «کسی نگوید پیش‌گیری از وقوع جرم فقط به عهده‌ی دستگاه قضاییه است، بلکه همه‌ی افراد باید خود را در عرصه‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم مسئول بدانند. ایشان برای این مهم سه اصل کلیدی بیان کردند. آقای الفت معاون پیش‌گیری قوه قضاییه می‌گفتند: «ما در جلسه‌ی خدمت مقام معظم رهبری گزارشی از وضعیت جرم و ناهنجاری‌ها در جامعه می‌دادیم، دیدم آقا دارد گریه می‌کند! اولین باری بود که من دیدم رهبری گریه می‌کند و اشک می‌ریزد؛ ایشان به‌گونه‌ای گریه می‌کرد که انگار من دارم می‌گویم آقا دختر شما طلاق گرفته، آقا پسر شما معتاد شده و... وقتی من داشتم آمارهای آسیب‌ها را می‌دادم آقا این‌گونه گریه می‌کرد و متاثر شد. این جلسه که قرار بود چند دقیقه باشد، بیش از سه ساعت طول کشید. این اولین جلسه‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم بود که با مدیریت شخص آقا تشکیل شد و ایشان سه دستور کلی دادند و فرمودند: «که همه باید خود را در عرصه‌ی پیش‌گیری مسئول بدانند و هیچ‌کس نگوید وظیفه‌ی قوه قضاییه است، کسی نگوید وظیفه‌ی طلبه‌هاست، بالای منبر مردم را نصیحت کنند، کسی نگوید وظیفه‌ی صداوسیما است و... بلکه همه اشخاص حقیقی و حقوقی در عرصه‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم موظف هستند و باید اقدام کنند.»

دومین فرمایش ایشان در این مورد؛ این بود که باید موضوع پیش‌گیری از وقوع جرم در اولویت قرار گیرد.

در سومین دستور، معظم‌له فرمودند: «پیش‌گیری از وقوع جرم یک امر تخصصی است و با تخصص باید در مساله‌ی پیش‌گیری ورود کرد؛ یعنی کسی فکر نکند که مساله‌ی پیش‌گیری یک امر ساده‌ای است و هر کسی می‌تواند پیش‌گیری کند. ما پرونده‌ای داشتیم که یک پدر به خانم و دختر هفده ساله‌اش می‌گوید: «شما در اتاق باشید من می‌خواهم با فاطمه‌ام (که یک دختر بیست ساله است) تنه‌ای صحبت کنم.» پدر در اتاق را قفل می‌کند که با فاطمه صحبت کند تا مانع گناه او در جامعه شود! حدود یک ربع بعد که در باز می‌کند، به خانم و دختر دیگرش می‌گوید: «بیایید، من فاطمه را خفه کردم!» بعد این پدر سرش را در دادگاه بالا گرفته و می‌گوید: «من برای این که جامعه و دخترم از گناه پاک بماند و یا پسر همسایه به گناه مبتلا نشود این کار را مرتکب شدم!» ببینید او بزرگ‌ترین گناه بشریت را که خدای متعال می‌گوید قتل نفس است مرتکب می‌شود تا مثلاً دخترش، پسر همسایه و جامعه آلوده نشوند. این مثل آن موردی است که مگس روی صورت فرد نشست، خرس با سنگ بزرگ زد طرف را کشت که می‌خواست مگس را بکشد! خوب این فرد روش پیش‌گیری را بلد نیست. ما از این نوع پرونده‌ها زیاد داریم که فرد بلد نیست چه کار باید بکند، به‌عنوان پیش‌گیری و تربیت اقدام به کاری می‌کند که عاقبت آن بسیار دردناک است. فردی به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌گوید: «بچه‌ی من خیلی مرا اذیت می‌کند، اجازه می‌دهید او را بزَنم»، حضرت می‌فرماید: «لا تضر به واهجره و لا تطل!»؛ خیر او را زن، اگر همه‌ی شیوه‌های تربیتی، از قبیل شیوه‌ی تشویقی، تلقینی، توجیهی، تکریمی و سایر شیوه‌ها را پیاده کردی و نتیجه نداد؛ آن وقت از شیوه‌ی تنبیهی استفاده کنید. شیوه‌ی تنبیه هم با ضرب و جرح نیست بلکه آن هم روش‌هایی دارد؛ مثلاً با فرزندت



برخی رفتارها هست که حرام، گناه و جرم هم نیست؛ چون قانون‌گذار برای آن مجازات تنظیم نکرده و خلاف هم نیست؛ چون قانون‌گذار برای آن جریمه‌ی مادی تنظیم نکرده است؛ ولی برای جامعه آسیب‌های دارد. ما به این‌ها آسیب‌های اجتماعی می‌گوییم.

زحمت هم بکشد و تلاش بکند؛ چون آگاهی نسبت به این امر ندارد؛ به‌جای رسیدن به نتیجه و هدف، بیشتر دور می‌شود. برای انجام هر کار باید دانش و بینش لازم را کسب کرد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق و لا یزیدُهُ سُرْعَةُ السیر من الطریق إلا بعدا»؛ کسی که بدون بینش لازم عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود، چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می‌افتد. علی علیه‌السلام یک بیانی دارند می‌فرمایند: «مَا قَصَمَ ظَهْرِي إِلَّا رَجُلَانِ عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ»؛ دو گروه کمر من را شکستند یکی عالمی که بی‌دین است و دیگری جاهل متدین (زهد نما). اگر ما الآن بخواهیم بفهمیم چه کسی کمر امام زمان عجله الله را شکسته باید به همین بیان حضرت امیر علیه‌السلام مراجعه کنیم. لذا رهبری می‌فرمایند: «اگر کسی می‌خواهد در این عرصه ورود پیدا کند حتما تخصصی ورود پیدا کند و دانش لازم را داشته باشد. کار پیش‌گیری این‌گونه نیست که بدون دانش لازم بخواهیم ورود پیدا کنیم.

**فرهنگ پویا:** همان‌گونه که فرمودید جامعه‌ی سالم جامعه‌ای است که در آن جرمی واقع نشود. قوه‌ی قضاییه در مورد پیش‌گیری از ارتکاب جرم در جامعه چه اقداماتی انجام داده است؟

– البته گفتیم همه مسئول هستند و باید مساله‌ی پیش‌گیری را در اولویت قرار دهند و عالمانه ورود پیدا کنند. قوه‌ی قضاییه هم یکی از نهادهایی است که باید

قهر کن. تازه حضرت می‌فرماید: «این قهر کردند نباید طول بکشد. اگر بیش از سه روز قهرت طول بکشد مشکل‌ساز است.» بچه نباید احساس کند پدر یا مادر پشت او را خالی کرده است. اگر پدر می‌خواهد قهر کند به مادر بگوید هوای دخترم را داشته باش، من دو روز می‌خواهم با او قهر کنم اگر مادر می‌خواهد قهر کند به پدر بگوید هوای پسرم را داشته باش من دو روز می‌خواهم با او قهر کنم. مثلا پدر در این حالت نباید بگذارد بچه بخوابد، بلکه باید به پسرش بگوید: «امشب اگر مادرت از دستت ناراضی باشد بخوابی می‌دانی چه اتفاقی می‌افتد؟» مثلا بگوید ممکن است عاق والدین بشوی و اگر کسی عاق والدین شد، چه و چه می‌شود و... تا بچه بیاید عذرخواهی کند و برگردد.

پس باید فرد شیوه‌های پیش‌گیری را بلد باشد تا چنین اتفاقی نیفتد. لذا رهبری فرمودند: «سومین نکته این است که در عرصه‌ی پیش‌گیری عالمانه ورود پیدا کنید و دانش لازم را بدانید. روی انسان کار کردن سخت است. انسان موجود پیچیده‌ای است. هر آدم بی‌سوادی نمی‌تواند روی انسان کار کند. اگر کسی بخواهد یک موبایل را تعمیر کند باید برود دوره ببیند، می‌گویند موبایل پیچیده است. انسان پیچیده‌ترین موجود خلقت عالم است، هر کسی نمی‌تواند همین‌طوری در عرصه‌ی انسان ورود کند. کسی دانش لازم را نداشته باشد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَتْ مَأْتِلُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ»؛ اگر کسی از روی بی‌سوادی آمد و کاری را انجام داد، خراب‌کاری‌های او بیشتر از درست‌کاری‌های او خواهد بود؛ چون سوواد و دانش لازم را ندارد. لذا هر چه

ورود پیدا کند. برخی حقوق‌دان‌ها می‌گویند ورود قوه‌ی قضاییه در عرصه‌ی پیش‌گیری، به این‌گونه است که احکام مجرمین را به‌صورتی صادر کند که دیگران جرأت ارتکاب جرم نداشته باشند؛ به‌عبارت‌دیگر در قوه باید سرعت، قاطعیت و بازدارندگی در مجازات به نحوی باشد که کسی جرأت نکند سراغ جرم برود. این خود نوعی بازدارندگی و پیش‌گیری است. انواع پیش‌گیری‌های دیگر، وظیفه‌ی قوه نیست؛ وظیفه‌ی قوه همان چند چیزی است که در قانون اساسی بیان شد. این نظر برخی از حقوق‌دان‌ها است؛ اما قوه مستقیماً در عرصه‌های پیش‌گیری ورود پیدا کرده و اصلاً در دادگستری استان کشور، ۳۱ معاون پیش‌گیری از وقوع جرم مشغول فعالیت هستند و در همه‌ی استان‌ها اول هر سال برنامه‌ای برای آن‌ها تعریف می‌شود و می‌گویند شما تا آخر سال باید این برنامه‌ها را انجام دهید. هر کدام از این برنامه‌ها به گام‌هایی تقسیم می‌شوند. در پورتال قوه سامانه‌ای است که مسئولین مربوطه اقدامات خود را در رابطه با آن برنامه‌ها ثبت می‌کنند و مشخص است که هر کسی در استان خود چقدر توانسته است آن برنامه‌ها را انجام دهد. تمام ۳۱ استان کشور داریم در آن سامانه رصد می‌شوند و هر لحظه مشخص است که در عرصه‌ی پیش‌گیری استان‌ها چه قدم‌هایی را برداشتند. مثلاً برای مبارزه با قاچاق کالا چه کاری کردند، برای مبارزه با فساد و فحشا چه کار کردند، برای مبارزه با بلگی یک عده در شبکه‌ی اجتماعی چه کار کردند و... به‌هر حال برنامه‌های متعدد و متنوعی وجود دارد که در هر کدام گام‌هایی است که باید برداشته شود. این معاونت خود بر اساس موضوعات دارای بخش‌هایی از قبیل: اداره‌ی فرهنگی و اجتماعی، اداره‌ی امنیتی، اداره‌ی انتظامی و... است، که موضوعات مختلفی را با توجه به برنامه‌هایی که در آن سال تعریف شده و بودجه‌ای که در اختیار دارند، با نیروها و ویژگی‌هایی که در آن استان وجود دارد، پیگیری می‌کنند و در آن‌ها فعالیت دارند؛ مثلاً در شمال موضوع جنگل‌خواری و یا تعرض به بستر دریا و رودخانه‌ها مطرح است و یا در قم موضوع کوه‌خواری مطرح است. به‌هر حال در هر استانی با توجه به ویژگی‌های بومی هر استان برنامه‌هایی تنظیم می‌شود و بر اساس آن اقداماتی در زمینه‌ی پیش‌گیری صورت می‌پذیرد. پس قوه نسبت به پیش‌گیری از ارتکاب جرم وظیفه‌ی قانونی و ساختاری طبق بند پنجم از اصل ۱۵۶ دارد؛ ولی بر اساس فرمایش مقام معظم رهبری قوه تنها نیست بلکه همه باید در این عرصه ورود پیدا کنند.

### فرهنگ پویا:

آیا در ساختار قوه‌ی قضاییه برای پیش‌گیری از ارتکاب جرم، تمام آموزه‌های دین مبین اسلام لحاظ شده است؟ یا این که در ساختار آن هنوز نواقصی وجود دارد؟ اصلاً قوه‌ی قضاییه با چه تدابیر و ابزارهایی به این مهم می‌پردازد؟

همان‌طور که عرض کردم در ساختار قوه ۳۱ معاون پیش‌گیری در ۳۱ استان کشور وجود دارد که برای این مهم، نسبت به وضعیت بومی هر استان برنامه‌ها را تنظیم و اولویت‌ها را مشخص می‌کنند. تعدادی نیرو، مقداری بودجه و امکاناتی هم در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند و کار با نظارت و کنترل معاون پیش‌گیری قوه‌ی قضاییه انجام می‌شود. البته باید اذعان کرد که عده و عده‌ی (امکانات) قوه‌ی قضاییه در این زمینه خیلی محدود است.

**فرهنگ پویا:** من سوال را این‌گونه مطرح کنم؛ آیا قوه‌ی قضاییه توانسته است طی این مدتی که از انقلاب می‌گذرد، از عهده‌ی این مهم برآید؟

با توجه به عده و عده‌ی بسیار کم و امکانات محدود قوه‌ی قضاییه و رسالت‌های اصلی که دارد، کارهای گسترده‌ای را انجام داده است. عرض کردم وظایف اصلی قوه‌ی قضاییه پنج چیز است: یکی از آن‌ها پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرم است، قوه، چهار وظیفه‌ی اصلی دیگر نیز دارد که آن‌ها هم کلیدی است. عرض کردم عده‌ای معتقدند که مفهوم پیش‌گیری این است که قوه در وظایفی که در برخورد با مجرم برای او تعریف شده است، به‌گونه‌ای عمل کند که پیش‌گیری هم بشود؛ یعنی مجازات خوبی تنظیم کند که دیگر آن مجرم و دیگران جرأت ارتکاب جرم، پیدا نکنند.

### فرهنگ پویا:

با توجه به وجود ارتکاب جرم در جامعه‌ی ایران چه مولوسی برای قوه‌ی قضاییه در ریشه‌کن کردن آن وجود دارد؟

همان‌گونه که در اول عرایضم گفتم، اولین مانع، نفس اماره است که در سر راه جامعه‌ای که می‌خواهد سالم باشد، قرار می‌گیرد و به آن شیطان درونی می‌گویند. مانع بعدی افراد شرور در جامعه هستند. سومین مانع، دشمنان ما هستند، ابلیس هم مستمراً وسوسه می‌کند. خداوند می‌فرماید: «شیطان لحظه‌به‌لحظه برای انحراف جامعه از سلامت تلاش می‌کند.»<sup>۱۱</sup> هم شیطان درونی و شیطان بیرونی در انسان وسوسه می‌کنند. بنابراین بشریت در هیچ لحظه در امان نیست و احتمال دارد مرتکب گناه و جرمی بشود. پس ارتکاب جرم هیچ‌وقت ریشه‌کن نمی‌شود، اصلاً این امکان ندارد؛ چون از لحظه‌ای که بشر خلق شد، خدای متعال در وجود ما چهار قوه قرار داده: قوه‌ی عاقله که انسان را به تعالی می‌کشاند و قوه‌ی شهویه برای جلب منافع، قوه‌ی غضبیه برای دفع مضار و قوه‌ی واهمه. قوه‌ی واهمه انسان را به سمت دنیا و رفتارهای خلاف می‌کشاند. انسانی می‌تواند به کمال برسد که این سه قوه را تحت مدیریت قوه‌ی عاقله‌ی خود قرار دهد، در این صورت انسان به سمت خدا و کمال کشیده می‌شود. پس خود خداوند نفس اماره و قوه‌ی واهمه را قرار داده تا انسان در یک تعارض قرار گیرد و با انتخاب صحیح ساخته شود، و الا انسان فرشته می‌شد! فرشته هیچ‌یک از این قوا را ندارد و نمی‌تواند مرتکب جنایت شود. لذا انسان با مدیریت قوه‌ی واهمه و نفس اماره و قرار دادن آن‌ها تحت قوه‌ی عاقله‌ی خود، می‌تواند از ملک پران شود و آن چه اندر وهم ناید، آن شود. اگر انسان مانند ملک می‌شد، یک ذره از حیوان بالاتر بود. این انسانی که با مدیریت نفس اماره می‌تواند از ملک پران شود اگر قوای دیگر را تحت قوه‌ی غضبیه یا شهویه قرار دهد، از حیوان و جماد هم پایین‌تر می‌رود. چون خدای متعال در قرآن می‌گوید حداقل بعضی از سنگ‌ها سودی دارند؛ اما این انسان که خود را به نفس اماره سپرده دیگر هیچ سودی ندارد، لذا از جماد هم پلیدتر و پایین‌تر می‌شود. آنسانی که می‌توانست استاد همه‌ی ملائکه شود «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ»<sup>۱۲</sup> آن قدر نزول کرد که فرزندش شاگرد کلاغ شد؛ یعنی نشست و کلاغ



ما از این نوع پرونده‌ها زیاد داریم که فرد بلد نیست چه کار باید بکند، به‌عنوان پیش‌گیری و تربیت اقدام به کاری می‌کند که عاقبت آن بسیار دردناک است. فردی به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌گوید: «بچه من خیلی مرا اذیت می‌کند، اجازه می‌دهید او را بزخم»، حضرت می‌فرماید: «لاتضر به واهجره و لا تطل»؛ خیر او را نزن، اگر همه‌ی شیوه‌های تربیتی، از قبیل شیوه‌ی تشویقی، تلقینی، توجیهی، تکریمی و سایر شیوه‌ها را پیاده کردی و نتیجه نداد؛ آن وقت از شیوه‌ی تنبیهی استفاده کنید. شیوه‌ی تنبیه هم با ضرب‌وجرح نیست بلکه آن هم روش‌هایی دارد.



نمی‌شود. آن‌چه که مهم است تقلیل گناهان، جرایم، تخلفات و آسیب‌های اجتماعی است که ما باید تلاش کنیم که این کار را انجام دهیم.

**فرهنگ پویا:** از فرمایشات حضرت‌عالی می‌توانیم این نتیجه را بگیریم:

اول: قوه‌ی قضاییه در پی ریشه‌کنی گناهان و جرایم نیست، بلکه در پی این است که ناهنجاری در سطح اجتماعی تبدیل به هنجار نشود؛ چون وقتی ناهنجاری تبدیل به هنجار شد، ارتکاب جرم در جامعه شیوع پیدا می‌کند و دیگر جلوگیری از آن حتی با ابزارهای قهری هم امکان‌پذیر نیست.

نکته‌ی بعدی این است که ساختار نظام ما تفکیک‌قوایی است آیا در این ساختار، آن وظیفه‌ای که برای قوه‌ی قضاییه تعریف‌شده است، می‌تواند در انجام‌وظیفه‌ی خود، با دیگر قوا تعامل کند؟

نکته‌ی سوم این‌که ما در قانون اساسی جایی نداریم که پیش‌گیری از جرم به عهده‌ی سایر قوا نیز هست. از طرف دیگر فرمودید مسئولیت پیش‌گیری منحصر به قوه‌ی قضاییه نیست بلکه همه باید ورود پیدا کنند، آیا به این معنا نیست که میان‌داری این پیش‌گیری به عهده‌ی قوه قضاییه است؟ لذا قوه‌ی قضاییه در این میان‌داری باید پیش‌گیری را با همکاری سایر قوا اجرا کند.

- این سوال خیلی مهم و خوبی است، نکته‌ی اول که فرمودید که ما نباید بگذاریم جرایم، گناه‌ها، خلاف‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی عادی شود، یا به

به او یاد داد که چگونه جنازه‌ی برادرش را که کشته بود، دفن کند! پس انسان می‌تواند بین قوس صعود و نزول این‌گونه بالا و پایین برود. آن موقع که فقط چهار نفر روی کره‌ی زمین بودند، یکی از آن‌ها پیامبر خدا، دومین نفر همسر پیامبر خدا بود و دو نفر دیگر یکی با کشتن دیگری قاتل و مجرم و شاگرد کلاغ شد. بنابراین نمی‌شود ریشه‌کن کردن جرایم، گناه و غیره را تصور کرد. جرم، گناه، خلاف و آسیب‌های اجتماعی، تا وقتی که بشر هست و شیطان فعال است، وجود دارد. حتی در زمان ظهور حضرت حجت صلوات الله و سلامه علیه - که شیطان را گردن می‌زنند و شیاطین جن کشته می‌شوند و دیگر ابلیس و فرزندانش، شیاطین وجود ندارند، همه‌ی گناهان به مدیریت نفس اماره و وسوسه‌ی شیاطین بیرونی از نوع انس اتفاق می‌افتد. در زمان ظهور هم بساط گناه برچیده نمی‌شود. همان موقع هم گناهی اتفاق می‌افتد. اگر این چنین بود که گناهی اتفاق نیفتد، بشر نیازی به امام نداشت. لذا اگر دو نفر روی کره زمین باشند، حتماً یکی از آن‌ها امام است. باید در کنار بشریت امامت حضور داشته باشد. اتفاق مهمی که در غدیر افتاد این بود که نبوت تمام شدنی به امامت تمام نشدنی گره خورد. این نکته‌ی کلیدی است که بشر همیشه مرتکب گناه می‌شود. از ابتدای خلقت تا پایان این‌گونه است؛ حتی آن روزی که روی کره‌ی زمین فقط چهار نفر بودند، پیامبر زاده‌ای قاتل برادرش شد. پدر استاد ملائیک بود و پسر شاگرد کلاغ شد، در سایر افراد به‌طریق‌اولی این ناهنجاری‌ها اتفاق می‌افتد. در آینده هم همین‌گونه است؛ اصلاً ناهنجاری در دنیا ریشه‌کن



تعبیری ضد ارزش‌ها تبدیل به ارزش شود، بله درست است؛ درواقع نباید استحاله‌ی ارزش‌ها اتفاق بیفتد. قرآن یک جریان قشنگی نقل می‌کند که مردم آمدند حضرت لوط و پیروان وی را از شهر بیرون و سنگسار کنند. آن‌ها می‌گویند جرم ما چیست، قرآن نقل می‌کند که گفتند: «إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ»<sup>۱۴</sup> جرم شما پاکدامنی است! ببینید چقدر آلودگی در جامعه به اوج رسیده که اگر کسی خواست پاکدامن باشد و از پلیدترین گناه دور باشد، باید سنگسار و کشته شود؛ مثل امروز در جامعه‌ای که دختر دانشجو خجالت بکشد با چادر وارد دانشگاه شود! به او می‌گویند تو اهل هستی! این استحاله‌ی یک ارزش و بسیار خطرناک است. قطعاً ما نباید اجازه بدهیم که دشمن اباحی گری را ترویج کرده و آسیب‌ها، خلاف‌ها، جرایم و گناهان در جامعه عادی شود.

نکته‌ی دوم این است که بله، ما تفکیک قوا داریم یک کسی باید قانون وضع کند، یک کسی باید قانون را اجرا کند و دیگری هم باید باشد با متخلفین و قانون‌شکنان برخورد کند. لذا ضمانت اجرایی هم باید داشته باشد که همان سوط و سیف است<sup>۱۵</sup> که این قدرت را به آن داده و الا اگر این ضمانت اجرا نبود این برخورد اجرا نمی‌شد.

نکته‌ی بعد که فرمودید قوه‌ی قضاییه باید میاندار باشد، باید عرض کنم که خیر، همه باید در صحنه حضور داشته باشند. درست است که ما تفکیک قوا داریم؛ ولی همه باید در برخورد با شیاطین ورود پیدا کنند. چون پیش‌گیری از وقوع جرم، قبل از این که یک امر قانونی باشد، یک امر عقلی است. ببینید همه، من و شما در زمستان یک لباس گرم می‌پوشیم که سرما نخوریم، غذایی که برای ما ضرر دارد، نمی‌خوریم، در رانندگی احتیاط می‌کنیم، الان همه ماسک می‌زنند که به ویروس کرونا مبتلا نشوند، در این ایام همه فضایل امام حسین علیه‌السلام و مراسم عزاداری ایشان را ترویج می‌کنند و... تمام این‌ها در وهله‌ی اول به دلیل عقلی صورت می‌پذیرد. پیش‌گیری هم یک امر عقلی است. اصلاً نیازی به قانون ندارد. عقل می‌گوید باید از وقوع جرم و تخلف پیش‌گیری کرد. آیا مجلس قانون تصویب می‌کند که شما مراقب مادر خود در خانه باشید و یا مواظب باشید بچه‌ی شما از گرسنگی نمیرد؟ این‌ها همه یک امر عقلی است که همه به آن مبادرت می‌کنند و نیازی به قانون ندارد.

مسئله‌ی بعدی این است که موضوع پیش‌گیری علاوه بر این که یک اصل عقلی است، یک اصل شرعی هم است. پیامبر خدا -صلوات الله و سلامه علیه- فرمودند: «وَالْحَمِيَةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ»<sup>۱۶</sup> بهترین دوا پیش‌گیری است. سرسلسله‌ی تمام بیماری‌های جسمی بشر پر خوری است<sup>۱۷</sup> و سرسلسله‌ی تمام بیماری‌های روحی بشر پر خواهی است. «حب الدنيا رأس كل الخطيئة»<sup>۱۸</sup> کم‌خوری جسمت را سالم می‌کند و دوری از حرص، آز، تشریفات، تجملات، جمع مال حرام و غیره روحت را سالم نگه می‌دارد. حب دنیا سرسلسله‌ی همه‌ی بیماری‌های روحی است، پس باید دندان طمع را کند تا سالم ماند.

بنابراین پیش‌گیری علاوه بر این که عقلی است، یک امر شرعی و قانونی هم هست. درست است که در بند پنجم از اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیش‌گیری را یکی از وظایف قوه‌ی قضاییه شمرده؛ اما در ماده‌ی ۲۰۹ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)

آمده که دولت و همه سازمان‌هایی که از دولت بودجه می‌گیرند؛ موظفند در عرصه‌ی پیش‌گیری قدم‌هایی بردارند<sup>۱۹</sup> و در ماده‌ی ۲۱۱ آمده: دستگاه‌های اجرایی از جمله نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی؛ نظیر جمعیت هلال‌احمر و شهرداری‌ها، مکلفند در چهارچوب وظایف خود همکاری لازم را با قوه‌ی قضاییه در اجرای برنامه‌های پیش‌گیری از وقوع جرم اعمال کنند.

از همه مهم‌تر، امر پیش‌گیری یک امر ولایی هم هست. چون در سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله‌ی ابلاغ شده‌ی مقام معظم رهبری (۸۸/۹۲) ایشان بر اهتمام به پیش‌گیری از وقوع جرم و لزوم همکاری همه‌ی دستگاه‌ها با قوه‌ی قضاییه در این زمینه تأکید دارند و فرموده‌اند آن را باید در اولویت قرار داد و عالمانه هم باید به این عرصه ورود پیدا کرد.

پس قوه‌ی قضاییه یکی از قوایی است که باید در پیش‌گیری ورود پیدا کند و همه باید او را در این مسیر کمک کنند.

**فرهنگ پویا:** راه تقلیل ناهنجاری‌ها و گذشتن از موانع و رسیدن به یک جامعه‌ی سالم و تمدن اسلامی چیست؟

- اولاً همان‌گونه که عرض کردم، اصل ریشه‌کن کردن، محال است پس نباید انتظار داشته باشیم که ارتکاب جرم، گناه و... در جامعه ریشه‌کن شود. اما دلیل بخشی از وجود جرم در جامعه‌ی ما، به سوء مدیریت‌ها برمی‌گردد. باید سوء مدیریت‌ها را برطرف کرد. باید مدیریت مسئولان را تقویت کرد. بخش دیگر به تحریم‌ها و محدودیت‌های منابع مالی و انسانی برمی‌گردد. موانع دیگر نقشه‌های سوء دشمنان است که برای آن هزینه‌های بسیار گسترده‌ای می‌کنند و تمام تلاش خود را برای ترویج جرم و گناه در جامعه به کار می‌برند. از طریق تولید و توزیع مواد مخدر، توزیع و ترویج فحشا، از طریق شبکه‌های اجتماعی، فیلم‌های زشت، فیلم‌هایی که ترویج خشونت دارند، ماهواره‌ها، اینترنت و سایر ابزارهایی که در اختیار دارند. مثلاً برای تخریب نسل نوجوان ما، در رده‌های سنی مختلف برنامه دارند و برای آن هزینه‌های بسیار گسترده‌ای می‌کنند؛ یکی از برنامه‌ها، ساخت بازی‌های منحرف‌کننده و بسیار جذاب رایانه‌ای است که با آن به اهداف خود می‌رسند. پس وقتی که همه‌ی این‌ها وجود دارد، جامعه هیچ‌وقت نمی‌تواند از جرم، گناه، تخلف و آسیب، ایمن باشد.

**فرهنگ پویا:** راه عبور از این موانع چیست؟ ما چه کار کنیم تا این موانع کنار بروند؟

- یک بیانی امام صادق علیه‌السلام دارند که خیلی جالب است شبیه همین بیان را امام کاظم علیه‌السلام هم دارند،<sup>۲۰</sup> حضرت می‌فرماید: «کلیدی‌ترین علوم یا به عبارتی همه‌ی تکالیف شما، چهار چیز است»:

اول خداشناسی است. انسان باید بپذیرد که مخلوق است و خالقی دارد و همه چیز به او ختم می‌شود و او محور تمام موجودات است. دوم انسان‌شناسی است. انسان اگر خود را شناخت و فهمید چه



ارتکاب جرم هیچ وقت ریشه کن نمی‌شود، اصلا این امکان ندارد؛ چون از لحظه‌ای که بشر خلق شد، خدای متعال در وجود ما چهار قوه قرار داده: قوه‌ی عاقله که انسان را به تعالی می‌کشانند و قوه‌ی شهویه برای جلب منافع، قوه‌ی غضبیه برای دفع مضار و قوه‌ی واهمه. قوه‌ی واهمه انسان را به سمت دنیا و رفتارهای خلاف می‌کشانند. انسانی می‌تواند به کمال برسد که این سه قوه را تحت مدیریت قوه‌ی عاقله‌ی خود قرار دهد، در این صورت انسان به سمت خدا و کمال کشیده می‌شود.

در خانه بنشینند و قمار کنند و یا کسی در خانه مشروب درست کند و یواشکی هم بخورد و کسی متوجه نشود، هرچند مرتکب گناه شده است؛ ولی مشمول جرم اجتماعی نشده است؛ ولی فردی بیاورد و کارخانه‌ی مشروب‌فروشی، فاحشه‌خانه، قمارخانه و بی‌حجابی رسمی در جامعه راه بیندازد و رسماً بی‌عفتی کند، این‌جا حاکمیت باید مانع شود. مثلاً باید آن دستوراتی که رهبری در مورد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دادند تا آن‌ها را مهار کنند؛ عملی شود. مسئولان باید زیرساخت داخلی راه بیندازند و با مدیریت شبکه‌ی ملی اطلاعات و اینترنت داخلی از فضای سایبر استفاده شود. چرا ما این دستور را گوش نکردیم و فقط از زیرساخت‌های دشمن استفاده می‌کنیم؟ به قول رهبری، شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بهترین ابزار در راستای تکامل انسان باشد؛ اما الآن متأسفانه بهترین ابزار برای دشمن شده است و نفع آن را او می‌برد و ما نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم. مقام معظم رهبری فرمودند: «الآن شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قتلگاه جوانان شده است. لذا بروید افسران جنگ نرم برای فضای مجازی تربیت کنید که جلوی این را بگیرد و این را به‌عنوان یک ابزار استفاده کنید.» پس وظیفه‌ی همه هست که برای پیشگیری کار کنند. ما برای این که در پیشگیری موانع را برداریم در یک مربع باید حرکت کنیم. در این مربع که چهار ضلع دارد، همه باید در این چهار ضلع ورود پیدا کنند. اولین ضلع این مربع ساخت انسان مومن است؛ یعنی هرکس باید انسانی را بسازد که گناه گریز و جرم

جایگاهی در عالم خلقت دارد، دیگر حاضر نیست خود را مجانی بفروشد و مرتکب حرام شود. انسان وقتی دانست چه قیمتی دارد، دیگر سراغ یک فیلم زشت، مواد مخدر و... نمی‌رود و خود را نابود نمی‌کند. سومین نکته، وظیفه‌شناسی است. انسان باید تکلیف خود را بداند، به آنچه بر او واجب و حرام است، آگاه باشد و عمل کند. چهارمین و آخرین نکته شیطان‌شناسی یا دشمن‌شناسی است.

بنابراین همان‌گونه که امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام فرمودند، اگر جامعه‌ی انسانی به این چهار نکته توجه داشته باشد، می‌تواند از موانع عبور کند. ما برای تحقق پیش‌گیری در جامعه و عبور از موانع باید کار فرهنگی کنیم. کار فرهنگی هم فقط به عهده‌ی یک عده و گروه خاصی نیست بلکه تمام جامعه باید برای انجام آن قیام کنند؛ صداوسیما، وزارت ارشاد، همه‌ی معلمان، مبلغان، ائمه‌ی جماعات و جمعه، همه‌ی پدر و مادرها و... باید برای این مهم به صحنه بیایند و احساس مسئولیت کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند در جامعه ادعا کند او در عرصه‌ی کار فرهنگی برای پیش‌گیری، مسئولیتی و وظیفه‌ای ندارد. در مرحله‌ی دوم حاکمیت هم باید برای پیش‌گیری اقداماتی را انجام بدهد. مثلاً مشروب‌فروشی، کازینو، قمارخانه، فاحشه‌خانه و بی‌حجابی رسمی در کشور وجود نداشته باشد؛ الحمدلله افتخار ما این است که جمهوری اسلامی ایران برخلاف بسیاری از کشورهایی که ظاهراً مسلمانند، چنین است. البته ممکن است افرادی





کسانی هستند. تمام این‌ها تکلیف هر پدر و مادری است. این، یک ضلع از مربع که ساخت انسان خوب است.

اما ضلع دوم آن بالا بردن اطلاعات مردم است که قربانی وسوسه و فریب دشمن نشوند. چون اگر کسی بخواهد قربانی گناه نشود، باید اطلاعات او بالا برود و بفهمد این گناه سم است اگر نفهمد سم است فکر می‌کند شربت خوشمزه است و تلاش می‌کند آن را بخورد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر یک لقمه‌ی حرام در خانه‌ات آمد، مثلاً یک میلیارد هزینه کردی و یک خانه ساختی؛ اما از این یک میلیارد، صد تومان از حرام بود؛ هزینه‌ی یک آجر آن از پول حرام بود، دیگر تو خانه‌خراب هستی!»<sup>۳۲</sup> و تا این حرام را از مالت خارج نکنی؛ این خانه‌خرابی ادامه دارد. شما فکر می‌کنید دعوی زن و شوهر و یا فرزندان یک خانواده دلیل آن چیست؟ یکی از ادله‌ی آن به بیان علی علیه‌السلام این است که یک آجر غصبی و یا یک لقمه‌ی حرام در خانه آمده باشد!

پس اگر ما اطلاعات افراد را بالا بردیم و فهمیدند یک لقمه‌ی حرام چه تأثیری در زندگی آن‌ها دارد، مراقب هستند گناه و تخلف نکنند. تعبیر خانه‌خرابی لفظ قشنگی است که حضرت فرمودند؛ یعنی تنش داری، اضطراب داری، درگیری داری و... قرآن یک کلمه قشنگی به کار برده و می‌فرماید: «مَعِيشَةً ضَنْكًا»<sup>۳۳</sup> خلاصه آرامش نداری و همیشه در زندگی خود مشکل داری و کارهایت پیچ می‌خورد. اگر اطلاعات افراد بالا رفت دیگر علاوه بر این که سراغ گناه نمی‌روند، بلکه حتی به گناه، فکر هم نمی‌کنند. بالا بردن اطلاعات در همه‌ی

گریز باشد. اولین انسانی را هم که می‌سازد، خودش هست.<sup>۳۱</sup> بعد اگر هنر داشت اهل بیت و نزدیکان خود را بسازد<sup>۳۲</sup>. کلان‌شهرهای ما از تشکیلات کوچکی به نام خانواده تشکیل شده است. در خانواده، پدر و مادر باید این را بدانند که اگر زن بد شد، خدا یقه‌ی شوهر را می‌گیرد و اگر مرد بد شد، خدا یقه‌ی زن را می‌گیرد؛ می‌فرماید چرا مواظب اهل خانه نبودی؟ خداوند می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»؛ تعبیر «قوا» دارد؛ یعنی نگهدار، نمی‌گویند امر به معروف و نهی از منکر کنید. نمی‌گویند ارشاد جاهل و تنبیه غافل کنید. واژه‌ی «قوا» خیلی بحث را مهم و تکلیف را سنگین می‌کند. البته ما «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا»<sup>۳۳</sup> هم داریم که امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اهل خود داشته باشید؛ ولی این‌جا خدا می‌گوید «قوا» تو باید او را نگهداری و او را بهشتی کنی. اول باید خود را بهشتی کنی سپس همسر خود را و بعد بچه‌های خود را بهشتی کنی.

پس ساخت یک انسان خوب، یک تکلیف است، که ضلع اول این مربع است و این اصالتا و ذاتا تکلیف همه است. همه باید تلاش کنند که یک انسان جرم‌گریز بسازند و تحویل جامعه دهند. البته این تکلیف باید با شیوه‌هایی که اسلام بیان کرده است انجام شود. باید در خانواده به ژنتیک یا وراثت، زن پیدا کردن، داماد پیدا کردن، لقمه‌ی حلال، تربیت فرزندان در سنین مختلف و... توجه داشت؛ چون تمام این‌ها در زن تأثیر دارد. حتی بحث محیط که چگونه این فرزند را در جامعه‌ی پاک قرار بدهد، مراقب دوستان و اطرافیان باشد که چه

- و الغدير، علامه امینی، مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۳۹۴ و ۳۹۵ و چاپ دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۷۹.
۴. اموری مانند: تعلیم احکام، ارشاد جاهل، تنبیه غافل، امر به معروف، نهی از منکر و...
۵. آیه ۲۴ سوره فاطر
۶. سوط و سیف
۷. عده الداعی، ص ۷۹
۸. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۳
۹. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۳
۱۰. علامه مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ مکرر، ج ۲، ص ۱۱۱

۱۱. خداوند با فعل مضارع استمراری فرموده «یوسوس فی صدور الناس»

۱۲. سوره بقره، آیه ۳۱.

۱۳. قَبِعَتَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوَاءَ أَعْيَبَهُ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ - پس خدا زانگی را برانگیخت که زمین را می کلوید تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند اقبال گفت وای بر من آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم پس از از مرده پیشیمانان گردید (۳۱) مانده.

۱۴. سوره اعراف، آیه ۸۲

۱۵. شلاق و شمشیر که کنایه از قدرت اجرای حدود، قصاص و تعزیرات توسط دستگاه قضایی است.

۱۶. عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احنسانی، ج ۲، ص ۳۰.

۱۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كُلُّ دَاءٍ مِنَ الْأَلْخَمَةِ مَا خَلَا الْحُمَى؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وَرُودًا.» هر بیماری ای از پُرخوری است، مگر تب، که نگاه به بدن درمی آید. منبع: الکافی، جلد ۶، صفحه ۲۶۹، حدیث ۸.

۱۸. خصال صدوق، ص ۲۰.

۱۹. ماده ۲۰۹- به منظور تحکیم و ارتقاء امنیت اجتماعی، اخلاقی و پیشگیری و مقابله با هرگونه ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و اخلاخ در امنیت عمومی؛

الف - دولت موظف است ساز و کارهای اجرائی لازم را با تأکید بر موارد زیر فراهم و اجرائی نماید:

۱- مبارزه با جریانات، گروهها و باندهای سازمان یافته مروج انحرافات اخلاقی، خرافه پرستی، ابتذال و پوچ گرایی

۲- ارتقاء احساس امنیت و سالم سازی فضای عمومی جامعه

۳- بهره گیری و هماهنگ سازی اقدامات فرهنگی، آموزشی، تربیتی، تبلیغی و رسانه ای برای مقابله با ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی

ب - کلیه دستگاههای اجرائی موظفند اقدامات لازم را برای اجرای طرح جامع فرهنگ عفاف و حجاب معمول داشته و نسبت به متناسب سازی محیط خدمتی با اقتضانات جامعه اسلامی اقدام نمایند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است بر اجرای صحیح طرح، نظارت داشته باشد.

۲۰. « وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَالثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَالثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ » سفیان بن عیینه می گویند: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: علم مردم را همه در چهار موضوع دانسته: ۱- پروردگارت را بشناسی. ۲- بدانی با تو چه کرده. ۳- بدانی از تو چه خواسته. ۴- بدانی چه چیز ترا از دینت بیرون می برد. (اصول کافی / ترجمه کمره ای؛ ج ۱ ص ۱۴۵)

۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. «سوره تحریم، آیه ۶».

۲۲. وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ «سوره شعراء، آیه ۲۱۴»

۲۳. سوره طه، آیه ۱۳۲.

۲۴. التَّجْرُ الْعَصْبُ الْعَصِيبُ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَيَّ خَرَابَهَا، نهج البلاغه حکمت ۲۲۲.

۲۵. سوره طه، آیه ۱۱۴.

۲۶. کان جعفر بن محمد (علیه السلام) یقول: لولا أن نزلت لأتفدنا؛ امام صادق علیه السلام می فرمودند: اگر بر علم ما مستمرا افزوده نشود، علم ما نیز پایان می یابد. (شرح اصول کافی - مولی محمد صالح مازندرانی - ج ۶ - ص ۲۶)

افراد و سنین جامعه نسبت به همه چیز است، مثلا اگر بچه بداند شبکه های اجتماعی چه خطری دارد، آن یکی بداند مواد مخدر چه خطری دارد، دیگری بداند دختر در شبکه های اجتماعی پیدا کردن برای ازدواج، چه خطری دارد و چه کلاهی سرش می رود، قمارهای اینترنتی و سایت های شرط بندی و غیره چه خطرات و آسیب هایی دارد؛ هرگز به فکر ارتکاب آن ها نخواهد افتاد. این بالا بردن اطلاعات افراد؛ یعنی آموزش دین، که باید همیشگی باشد، از گهواره تا گور باید استمرار یابد. هیچ لحظه هم توقف ندارند. حتی خود معصومین هم گفتند اگر ما در آموزش متوقف شویم، ما که معصوم هستیم و به دریای عصمت متصل هستیم، کم می آوریم چه رسد به دیگران<sup>۲۶</sup>.

ضلع سوم این مربع، اصلاح و تطهیر محیط است. محیط پیرامون افراد باید ساخته شود و اطراف آنان باید سالم باشد. تمامی مجاری ورودی یک انسان را محیط می گویند. هر چه من می خوانم، می شنوم، می بینم، می خورم، با چه کسی رفیق هستم، عکس و تابلویی که بر دیوار اتاقم هست و غیره. تمام این ها محیط پیرامون من است و گویا شخصیت و باورهای من است. مثلا اگر تابلویی که در اتاق فرزندم می زنم این باشد: «و خدایی که در این نزدیکی است...» آیا فرق ندارد با جوانی که تابلوی اتاقش، تصویر یک هنرپیشه ای فاسد هالیوودی باشد؟ اسلام برای این که محیط، محیط اسلامی شود توصیه های بسیاری دارد. مثلا می گوید همیشه سجدهات در خانهات باز باشد و در منزل محل ثابتی برای نماز خواندن داشته باشی و ...

آخرین ضلع مربع، اصلاح مجرم است؛ یعنی باید برای رسیدن به یک جامعه ای سالم، گناه کار و خلاف کار را اصلاح کرد.

پس ما اگر بخوایم جامعه ای سالمی داشته باشیم و موانع را از سر راه برداریم و پیش گیری کنیم باید در این چهار ضلع حرکت کنیم؛ ساخت انسان صالح و مومن، بالا بردن اطلاعات افراد، ساخت و تطهیر محیط و اصلاح انسان هایی که گناه کار شدند. چون شیطان همیشه فعال است و همیشه یک عده ای را گناه کار می کند اگر این چهار مورد اتفاق بیفتد تمامی موانع از سر راه پیش گیری برداشته می شود. این مربع محقق نمی شود مگر این که همه ای افراد جامعه در صحنه بیایند و احساس مسئولیت کرده و فعالیت کنند.

### فرهنگ پویا:

خیلی ممنون از صبر و تحمل و بزرگواری که فرمودید و به سوالات ما پاسخ دادید. ان شاء الله خوانندگان نشریه و فرهیختگان جامعه از گفتگو بهره مند خواهند شد.

- ان شاء الله خداوند به همه ای ما توفیق لازم عنایت کرده و عاقبت به خیر باشیم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

### پی نوشتها

۱. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۸۴، ص ۱۹۹ و ۳۴۴، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۹۶، ط بیروت.
۳. تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر الطبری، بیروت، دار قاموس الحدیث، ج ۲، ص ۲۱۷